



بررسی تأثیر تدابیر پیشگیری وضعی از جرایم در بحران‌های طبیعی

(مورد مطالعه: نیروی انتظامی شهرستان کرمانشاه، سال ۱۳۹۴)

اکبر وروایی *

علی نادری **

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۸/۰۸ تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۷/۱۴

چکیده

منظور از حوزه عملکردی انتظامی، به مجموعه فعالیت‌های پیشگیرانه از وقوع جرم و حفاظت و مراقبت از اموال دولتی، مردمی، هدایا و برقراری نظم و امنیت برای امداد رسانی به مجروحین، مصدومین و کمک رسانی عادلانه به آسیب دیدگان و ... توسط پلیس در حین بحران اطلاق می‌گردد. این مقاله با هدف بررسی تأثیر تدابیر پیشگیری وضعی از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهرستان کرمانشاه می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع روش پیمایشی با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته و طبق آزمون آلفای کرونباخ با پایایی ۰/۷۹ بوده و جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌گردد. جامعه آماری این پژوهش کارشناسان انتظامی شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۴ می‌باشد که به روش تمام شماری مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های این پژوهش تدابیر افزایش خطر ارتکاب جرم، افزایش زحمت ارتکاب جرم، کاهش منافع ارتکاب جرم، حذف بهانه‌های ارتکاب جرم، کاهش تحریک ارتکاب جرم به ترتیب بر پیشگیری جرایم در بحران‌های طبیعی مؤثرند.

کلید واژه‌ها

تدابیر پیشگیری وضعی، بحران‌های طبیعی، شهرستان کرمانشاه.

*. دانشجویار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین
**. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. (نویسنده مسئول)

Email: Aliwise19@yahoo.com

بیان مسئله

سوانح طبیعی همواره زندگی بشر را در کره زمین تهدید می‌کند. همه ساله در جهان حجم قابل ملاحظه‌ای از تأسیسات شهری، زیرساخت‌های اقتصادی، ابنیه و ساختمان‌های اداری، تجاری و مسکونی در اثر حوادث و بلایای طبیعی نظیر سیل، زلزله، طوفان، رعد و برق، خشکسالی، رانش زمین، پیشروی آب دریا، بهمین و... آسیب دیده و یا از بین می‌روند و متأسفانه در بیشتر موارد این حوادث با تلفات انسانی نیز همراه است. سرزمین پهناور ایران به دلایلی از جمله قرار گرفتن در کمربند زلزله آلپ هیمالیا، موقعیت جغرافیایی، داشتن طبیعتی ناهمگون و با آب و هوایی متنوع و... همواره گرفتار بلایای طبیعی و قهر طبیعت بوده و آثار شوم ویرانی و نابودی و تلفات جانی و خسارات مالی و تخریب محیط زیست همواره بر این مرز و بوم سایه می‌اندازد تا جایی که از ۴۱ نوع بلایای طبیعی که در جهان شناخته شده است، ۳۱ نوع آن در کشور ایران حادث می‌شود. مهم‌ترین بلایای طبیعی قرن بیستم در ایران، زلزله گیلان و زنجان بوده که ۴۰ هزار کشته و ۱۰۰ هزار مجروح و ۴۰۰ هزار نفر بی‌خانمان به جای گذاشته و مهیب‌تر از آن زلزله سال ۱۳۸۲ بم بوده که ۴۳ هزار نفر کشته و ده‌ها هزار نفر مجروح و بی‌خانمان به جای گذاشت. (غفاری، ۱۳۸۳، ص ۹۶) در این میان، سازمان‌های نظامی هم به دلیل برخورداری از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها و تجهیزات، و هم به دلیل برخورداری از حجم سازمانی بزرگ (در قالب نفرات، استعداد نظامی) و از سویی به دلیل لزوم آمادگی دائمی برای واکنش سریع در برابر تهدیدهای از جمله ارزشمندترین دارایی‌های یک جامعه برای به کارگیری در وضعیت‌های بحرانی هستند. (مجله سیاست دفاعی، ۱۳۸۳، ص ۹) نیروی انتظامی براساس وظیفه ذاتی خود به عنوان نیروی حافظ امنیت و آسایش مردم و به خاطر گستردگی زمینه عملیات و تنوع وظایف و حضور در اقصی نقاط کشور در واقع جزو اولین نیروهای دولتی است که در هنگام بروز هرگونه سانحه‌ای در محل حاضر می‌شود این نیرو براساس طرح امداد و نجات کشور، می‌بایست در سوانح و حوادث طبیعی با به کارگیری کلیه امکانات و توان خود نسبت به برقراری نظم و امنیت و روان‌سازی ترافیک برای سازمان‌های امدادی تلاش نماید. (وظایف نیروی انتظامی در سوانح و بلایای طبیعی مصوب ۷۲/۲/۱۲ هیئت وزیران). با این توصیف، این سوال مطرح می‌شود که نیروی انتظامی به هنگام وقوع بلایای طبیعی چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا با توجه به برخورداری از امکانات و تجهیزات لازم، این نیرو می‌تواند در کاهش عوارض ناشی از بحران‌های طبیعی نقش موثری داشته باشد؟ نظر به رویکرد نظام‌مند به این مسئله که هرگونه اختلال یا بی‌نظمی در اجزاء نظام (نظام‌های طبیعی و انسانی) عملکرد کل نظام را تحت شعاع قرار خواهد داد، از این جهت ضرورت دارد که نقش و جایگاه واقعی نیروی انتظامی و هلال‌احمر در مراحل پیش‌بینی، پیشگیری و مقابله با بحران‌های طبیعی شناخته و احصا گردد. از همین رو، بررسی نقش و کارکرد نیروهای نظامی و انتظامی به‌ویژه هلال احمر امری ضروری به نظر می‌رسد. سؤال اساسی این پژوهش آنست که: تا چه میزان

پیشگیری و ضعی و تدابیر آن در پیشگیری از جرایم در بحران های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می باشد؟

اهداف پژوهش

هدف اصلی

- تعیین تأثیر پیشگیری وضعی از جرایم در بحران های طبیعی.

اهداف فرعی

- تعیین تأثیر حذف بهانه ها در پیشگیری از جرایم در بحران های طبیعی.
- تعیین تأثیر کاهش تحریک در پیشگیری از جرایم در بحران های طبیعی.
- تعیین تأثیر کاهش منافع در پیشگیری از جرایم در بحران های طبیعی.
- تعیین تأثیر افزایش خطر در پیشگیری از جرایم در بحران های طبیعی.
- تعیین تأثیر افزایش زحمت و تلاش در پیشگیری از جرایم در بحران های طبیعی.

۱- مبانی نظری پژوهش

کلمه پیشگیری دارای دو بعد مضاعف شامل پیشگیری کردن و در عین حال جلو رفتن و آگاهی دادن است. در جرم شناسی پیشگیری به معنای جلوی تبهکاری رفتن به منظور ممانعت از وقوع جرم آمده است. (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۱۱) شاید بتوان گفت که به تعداد صاحب نظران جرم شناسی، تعریف و طبقه بندی (تیپولوژی) از پیشگیری ارائه شده است. پیشگیری از لحاظ معنای لغوی عبارت است: «جلوگیری، دفع، صیانت، مانع شدن و جلو بستن» و «اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته». (کلانتر، ۱۳۷۴، ص ۱۶) اما از نظر علمی، پیشگیری یک مفهوم منطقی - تجربی است که همزمان با تاملات عقلانی و مشاهدات تجربی ایجاد می شود. (گل محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). ریموند گسن، جرم شناس فرانسوی، برای پیشگیری، یعنی اقدام نسبت به عوامل و فرایندهای بزهکاری، معیارهای چهارگانه ای تعریف می کند و معتقد است که «پیشگیری شامل مجموعه تدابیر سیاست جنایی - به استثنای تدابیر نظام کیفری - می شود که غایت انحصاری یا لاقط جزئی آن، تهدید امکان وقوع مجموعه اقدام های مجرمانه از طریق غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آنهاست». (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲، ص ۲۲) در تعریف کیز (۱۹۸۹) پیشگیری از وقوع جرم «تمامی آن دسته از تدابیری است که مقصود آنها به حداقل رسیدن وسعت و شدت ارتکاب جرم، چه از طریق کاهش فرصت ها و موقعیت ها ارتکاب جرم و چه به وسیله تحت تاثیر قرار دادن مجرمان بالقوه و کل جامعه است. (گسن، ۱۳۷۰، ۱۱)

رس‌ها نتینگ استاد دانشگاه جرم‌شناسی او تاوا در خصوص پیشگیری به چهار اتفاق نظر در مورد جرم شناسان اشاره دارد:

(۱) اهداف پیشگیری؛

(۲) پافشاری و تاکید بر اولویت دادن به راهبرد پویا؛ (این نکته در واقع قبول این امر است که بزهکاری و بزه دیدگی به ندرت نتیجه اتفاق و تصادف است)؛

(۳) توسل به اجتماع و توده‌های مردمی؛

(۴) همیاری بین عناصر مختلف جامعه. (شیری، ۱۳۸۷، ص ۵۴)

ژرژ لوسور، جرم‌شناس فرانسوی شاخه‌ای را که متمایل به پیشگیری از بزهکاری است، غنی‌ترین و موثرترین شاخه از سیاست جنایی می‌داند. (نیاز پور، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱)

دکتر محمدعلی اردبیلی (۱۳۷۹) معتقد است که «پیشگیری فرایندی عقلی است که تجربه، درستس یا نادرستی آن را عیان می‌کند. در واقع پیشرفت و کمال سیاست پیشگیری در گرو تجدید نظر دائمی شیوه‌ها و راهکارهایی است که در تامین هدف‌های پیشگیری به کار می‌رود. در سیاست‌های پیشگیری آزمایش و خطا سهم مهمی دارد. زیرا پیشگیری همواره بر نوعی شناخت از علل و زمینه‌های آشکار واقعه استوار است و چون داده‌های جرم‌شناسی و تحقیقات در قلمرو بزهکاری هنوز علل موثر رفتارهای غیرقانونی را معلوم نکرده است، عمل‌گرایی وجه غالب سیاست‌های امروزی پیشگیری است. (اشنايدر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۹)

۱-۱- مفهوم پیشگیری وضعی

کلارک، جرم‌شناس معروف انگلیسی، پیشگیری وضعی از جرم را به عنوان اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم می‌داند. این اقدامات معطوف به اشکال خاص از جرائم بوده و از طریق مدیریت یا مداخله در محیط بلاواسطه به شیوه‌ای پایدار و سیستماتیک منجر به کاهش فرصت‌های جرم با افزایش خطرات جرم که همواره مدنظر تعداد بسیاری از مجرمان بوده است، می‌شود. (رزنام و سایرین، ۱۳۸۲)

پیشگیری وضعی از جرم قابل مقایسه با مفهوم عامل روان‌شناسان، یعنی کنترل محرک است. آنها معتقدند احتمال وقوع جرم براساس کیفیت قرار گرفتن محرک در محیط، یا تضعیف می‌شود. محرک را می‌توان از طریق اعمال مدیریت، طراحی یا مداخله در محیط، توسط طراحان پیشگیری از جرم تغییر داد. همچنین پیشگیری وضعی از جرم، بر این نظریه استوار است که موقعیت قابل پیش‌بینی از افراد هستند. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که درصد زیادی از حوادث و وقایع مجرمانه در محل‌های خاصی متمرکز شده‌اند که جرم‌شناسان از آنها به عنوان نقاط جرم خیز یاد می‌کنند. بنابراین اقدامات پیشگیری از جرم برای کاهش فرصت‌های جرم جزایی که در محیط پدید می‌آیند، به کار برده می‌شود (همان).

دکتر نجفی ابرندآبادی پیشگیری وضعی از جرم را علت شناسی جرم در خارج از شخصیت مجرم می‌داند و معتقد است «پیشگیری وضعی عبارت از اقدامات غیرکیفری است که معادله جرم را به هم میزند و هزینه انجام بزه را بالا می‌برد به نحوی که بزهکار بالقوه از ارتکاب جرم صرف نظر کند. به بیان دیگر، در پیشگیری وضعی هدف این است که به دنبال شناخت این واقعیت باشیم که خارج از بزهکاران و محیط‌های مجرمانه، چه موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی در ذهن آنان وسوسه ارتکاب جرم را به وجود می‌آورد تا با شناسایی آنها به پیشگیری از وقوع جرم بپردازیم. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۷، ص ۴۹) آنچه از زمان ظهور تفکرات علمی جدید در جرم و پیشگیری از آن مطرح شده تا چند دهه‌ی قبل، بر محور مرتکب - اغلب مرتکبان مرد - و تاثیر شرایط و اوضاع و احوال محیط بر زندگی آنها در ابعاد مختلف اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره می‌چرخید تا مشخص شود یک شخصیت مجرمانه چگونه شکل می‌گیرد. از چند دهه‌ی قبل رهیافت دیگری سیاست جنائی را در بعد پیشگیری از جرم تحت تاثیر قرار داده که محور اصلی آن توجه و تکیه بر بزه دیده و به عبارت دقیق‌تر، آماج و هدف جرم است. زیرا گفته شده که در وقوع یک جرم همگرایی و تقارن سه عنصر لازم و واجب است. در غیر این صورت وقوع جرم ممتنع خواهد بود. این سه عنصر عبارتند از:

۱) وجود یک مرتکب با انگیزه؛

۲) فقدان مانع و رادع موثر؛

۳) وجود یک آماج مستعد و محافظت نشده.

رهیافت جدیدی که سعی دارد با اتکاء بر این جنبه یا ضلع از مثلث اشاره شده، یعنی آماج جرم یا بزه دیده به تبیین پیشگیری از جرم بپردازد در فارسی تحت عنوان پیشگیری وضعی از جرم معرفی و معروف شده و در زبان انگلیسی نیز به *Situational Crime Prevention* مرسوم است.

در زبان فارسی نیز کاربرد معادله‌هایی چون پیشگیری موضعی، موقعیتی و یا وضعیتی در برابر این اصطلاح درست است. اما بیشتر جرم‌شناسان و پژوهشگران ایرانی معادل پیشگیری وضعی را برای اصطلاح مزبور برگزیده‌اند. (صفاری، پیشین، ص ۲۶۹) طرح پیشگیری وضعی از جرم به‌عنوان یک نظریه علمی اصالتاً تاسیسی انگلیسی است که توسط ۳ نفر به نام‌های کلارک، می‌هیو و کرنیش مطرح شده و توسعه یافته است. ایشان در آثار خویش همواره بر اتخاذ تدابیر مناسب و بکارگیری اقدامات لازم جهت کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های بروز رفتار بزهکارانه و تغییر رابطه بین بزهکار، بزه دیده و محیط تاکید کرده‌اند (گسن، پیشین، ص ۱۰). پیشگیری موقعیت مدار، وضعیت محور یا پیشگیری وضعی یکی از گونه‌های پیشگیری کنشی است و بر این فرض مبتنی است که بزهکاران بیشتر با حساب‌گری و انگیزه‌های عقلانی به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند. (محمد نسل، ۱۳۸۶، ص ۳۶)

به اعتقاد طرفداران رویکرد پیشگیری وضعی از جرم، چنین یافته‌هایی توسط تئوری‌های متقدم (اشاره به مکاتب کلاسیک و پزویتوسیم خصوصاً لمبرازوئی آن) قابل درک، تبیین و تفسیر نیست زیرا چنین

منظره‌هایی از جرم و ارتکاب آن با وجود اشاراتی که به تأثیر جزئی عواملی از این دست در رفتارها و تصمیم‌گیری انسان‌ها داشته‌اند تأثیر دراز مدت عوامل زیستی - روانی، تربیتی، فرهنگی و امثال آن را در شکل‌گیری و جهت رفتار انسان و خصوصاً تصمیم‌گیری‌های او تعیین‌کننده‌تر می‌دانند. علاوه بر این پیشگیری وضعی از جرم، توزیع پویاتر و ملموس‌تری از ارتکاب آن نسبت به نظریه‌های متقدم ارائه می‌دهد و زمینه را برای پیشگیری ملموس‌تر و عملی‌تر فراهم می‌کند. این امر از دیدگاه دست‌اندرکاران اجرای قانون، مثل قوه قضائیه و پلیس، می‌تواند به‌عنوان موقعیت‌های قابل گزارش به جامعه قلمداد شود به‌عنوان مثال هر چند ممکن است اقدام هماهنگ پلیس و قوه قضائیه در انهدام منطقه جرم خیز خاک سفید شهر پاره در نظر برخی اقدامی موقتی تلقی شده و تصور شود که جرائم مربوطه به سایر مناطق شهر منتقل خواهد شد اما از منظر مجریان طرح موقعیت آن چشمگیر بوده و در زمان خود موضوع گزارش‌ها و اعلانات متعددی در جهت معرفی پلیس به عنوان یک نهاد فعال و دلسوز قرار گرفت.

۲-۱- اصول پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار بر ۲ محور مبتنی است:

۱: دخالت کردن از وضعیت‌های پیش از بزهکاری:

وضعیت‌های پیش از بزهکاری اوضاع و احوالی هستند که در شرایط عادی و معمولی جرم در آن رخ می‌دهد.

کین برگ وضعیت‌های پیش از بزهکاری را به سه گونه تقسیم کرده است:

الف- وضعیت‌های ویژه یا موقعیت‌های خطرناک:

در این موقعیت‌ها نیازی برای جستجوی موقعیت و مناسبت به منظور ارتکاب بزه نیست. این مناسبت ممکن است از اوضاع و احوال غیرمنتظره (مانند پیدا کردن مواد مخدر در خیابان) در شغل (مثل اختلاس، اخذ رشوه) و یا از روابط بین افراد (موقعیت مناسب برای زنا یا جرائم پدر کشی) ناشی شود. (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۹)

ب- وضعیت‌های غیر ویژه:

موقعیت‌هایی هستند که در آنها باید فرصت مناسب برای وقوع جرم را پیدا کرد تا براساس آن به منظور ارتکاب بزه، برنامه‌ریزی لازم انجام پذیرد. از این رو طرح نقشه شناسایی مکان وقوع بزه، فراهم کردن ابزار لازم برای ارتکاب جرم و گزینش همکاران - شرکا و معاونان - در این موقعیت مطرح است.

ج- وضعیت‌های بینابین:

چنین موقعیت‌هایی در اثر فشار یک رخداد یا یک حالت عملی پدید می‌آیند. برای نمونه بیکار شدن فرد به دلیل اخراج از کار از پدید آمدن موقعیت‌های مختلط یا وضعیت‌های بینابین سخن به میان می‌آید پیشگیری موقعیت مدار در تلاش است با استفاده از تدابیر وضعیت محور - که جنبه غیرکیفری دارند -

وضعیت‌های پیش از بزهکاری را تغییر دهد. این تدابیر بر موقعیت‌های مناسب برای ارتکاب جرم اثر می‌گذارند تا از این طریق فرصت‌های مساعد بزهکاری کاهش یابد و فرایند تصمیم‌گیری بزهکار با تردید مواجه شود بدین‌سان، پیشگیری مزبور با به کارگیری اقدامات نامساعد کننده موقعیت‌های پیش از بزهکاری، ایجاد اختلال در فرایند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه را مد نظر قرار می‌دهند. پس باید بزهکار احتمالی را در شرایطی قرار داد که بزهکاری را فعالیتی زیان‌آور و بدون سود تلقی کند. (نیازپور، پیشین، ص ۴۴)

۲: مصون سازان آماج جرم از خطر بزه دیدگی؛

آماج همان هدف جرم است. این واژه موضوع بزه و وسیله یا ابزار دسترسی به آن مشخص می‌کند. بدین‌سان جسم انسان و یا اموال افراد آماج، موضوع بزه تلقی می‌شوند. برای نمونه، گاهی که فردی معتاد می‌شود، جسم انسان آماج بزه واقع شده است. یا وقتی که افرادی را توسل به وسایل متقلبانه، مال دیگری را به دست می‌آورد، آماج رفتار مجرمانه مال دیگری است. آماج (موضوع بزه) به دو دسته مادی و غیر مادی تقسیم می‌شود. آماج مادی جسم انسان و اموال افراد و آماج غیر مادی (فکری یا معنوی)، حیثیت افراد، کرامت بشری، خلوت زندگی خصوصاً اشخاص، آفرینش‌های فکری، آگاهی‌ها و داشته‌های افراد و غیره را در بر می‌گیرد. آماج - وسیله، وسیله‌هایی هستند که با گذر آنها می‌توان به موضوع جرم دست یافت بدین ترتیب تولید و قاچاق مواد مخدر آماج - وسیله محسوب می‌شود زیرا تولید و قاچاق آن سبب می‌شود تا معتادین به راحتی به آن دسترسی پیدا کنند. (گسن، پیشین، ص ۶۱۷) بنابراین آماج، هدفی است که مرتکب برای رسیدن به آن به ارتکاب بزه می‌پردازد. پیشگیری موقعیت مدار در صدد است با ایمن سازی آماج جرم، از وقوع بزه و بزه دیده شدن هدف جرم جلوگیری کند؛ زیرا همه‌ی افراد و همه‌ی اموال، بزه دیده احتمالی هستند؛ یعنی استعداد بزه دیده شدن را دارند و برای ممانعت از تبدیل شدن آنها به بزه دیده واقعی، شناسائی و حمایت از آنها ضروری است. (همان، ص ۷۶۱)

۳-۱- ویژگی‌های پیشگیری وضعی

پیشگیری موقعیت مدار دربرگیرنده همه تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در وضعیت پیش جنائی به دنبال کاهش یا از بین بردن فرصت‌ها و مناسبت‌های ارتکاب جرم است. بنابراین پیشگیری موقعیت مدار از مجموعه اقدامات کنشی (این اقدامات معمولاً جنبه پسینی و غیرکیفری دارند) به منظور مقابله با بزهکاران احتمالی انگیزه‌دار، از بین بردن فرصت‌های مساعد برای وقوع بزه و نامناسب نشان دادن اوضاع و احوال پیش از بزهکاری بهره می‌جوید. به بیان دیگر این پیشگیری تلاش می‌کند به واسطه انجام بخشی از اقدامات فنی، به حمایت از آماج‌های جرم و بزه دیدگان احتمالی بپردازد. در اثر به کارگیری چنین تدابیری، پیشگیری از بزه دیدگی افراد یا آماج‌ها در برابر بزهکاران احتمالی انگیزه‌دار، که در نهایت و به‌طور غیرمستقیم به کاهش میزان بزهکاری می‌انجامد، امکان‌پذیر می‌شود. (بکاریا، ۱۳۸۷، ص ۲۹۸)

این نظریه کوشید تا نگرش‌ها را از سوی بزهکار به سوی محیط متوجه کند؛ زیرا براساس این نظریه تنها راه رویارویی با بزهکاری، توجه به عوامل انگیزشی و رفتاری افراد و تغییر آنها به شمار نمی‌رود، بلکه این رویکرد با مداخله در وضعیت محیطی درصدد تحدید موقعیت‌ها و فرصت‌های بزهکاری است. بدین ترتیب به موجب این نظریه، موقعیت‌ها قابل پیش‌بینی‌تر از افراد هستند. پژوهش‌های انجام شده نیز نشان می‌دهد که شمار زیادی از رخدادها و وقایع مجرمانه در محل‌های ویژه‌ای متمرکز شده‌اند که جرم‌شناسان از آنها به عنوان مناطق جرم خیز یاد می‌کنند.

پیشگیری موقعیت مدار در مقایسه با دیگر گونه‌های پیشگیری - یعنی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری کیفری- از ویژگی‌های زیر بر خوردار است:

۱. تمرکز بر فرصت‌های جرم‌زا؛

پیشگیری موقعیت مدار دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که فرایند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه و اوضاع و احوال مساعد برای ارتکاب جرم را تغییر می‌دهد. این پیشگیری که شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است به دنبال علت شناسی جنائی و بررسی شخصیت جنائی بزهکاران نیست، بلکه به جای تمرکز بر شخص بزهکار و شخصیت سازی افراد، بر فرصت ارتکاب جرم، زمان و فضای که بزه در آن محقق می‌شود، تمرکز می‌یابد. بدین ترتیب پیشگیری مزبور نسبت به گرایش‌ها و استعداد‌های مجرمانه بی‌توجه است و به وضعیت پیش جنائی و موقعیت‌های مناسب برای بزهکاری توجه دارد. از این رو این پیشگیری در صدد تغییر اوضاع و احوالی است که ممکن است جرم در آن رخ دهد. به همین دلیل است که پیشگیری موقعیت مدار را بزه دیده مدار گویند. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۰)

۲. افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم؛

پیشگیری موقعیت مدار با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات کنشی - غیر کیفری - در صدد پر خطر یا پر هزینه کردن ارتکاب بزه است؛ به گونه‌ای که بزهکار احتمالی پس از حسابگری کیفری - بر آورد هزینه و سود ناشی از جرم - بزهکاری را زیان آور تلقی کند. از این رو نصب دزدگیر در خودرو یا فروشگاه‌ها، کشیدن نرده در منزل یا استقرار پلیس در مناطق مناسب برای ارتکاب جرم، نمونه‌هایی از تدابیر موقعیت مدار به شمار می‌آیند. بنابراین با بکارگیری اقدامات موقعیت مدار می‌توان عایدات حاصل از ارتکاب جرم را با کاهش مواجه ساخت. اما با توجه به اینکه جرائم به ۲ گونه مادی و غیرمادی (روحي و روانی) تقسیم می‌شوند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا حسابگری کیفری در همه جرائم امکان‌پذیر است؟ در پاسخ باید گفت، جرائم مادی جنبه اقتصادی دارند، به این معنی که بزهکار براساس حسابگری اقتصادی و برآورد نفع و ضرر حاصل از وقوع جرم به انجام رفتار مجرمانه می‌پردازد. اما در مقابل، جرائم غیرمادی جنبه روحی و روانی دارند و بزهکار تنها به دنبال برآورده ساختن نیازهای روحی و روانی خود به ارتکاب چنین بزه‌هایی مبادرت می‌ورزد. بدین ترتیب حسابگری کیفری - محاسبه سود و زیان حاصل از ارتکاب

جرم - تنها در جرائم مادی وجود ندارد؛ بلکه بزهکار در جرائم غیرمادی نیز هزینہ - فایده جرم را مورد سنجش قرار می‌دهد و در صورت مفید بودن، مرتکب بزه می‌شود. (توکلی، ۱۳۸۴، ص ۶۹)

۳. خاص بودن تدابیر پیشگیری موقعیت مدار؛

تدابیر و اقدامات موقعیت مدار نسبت به هر جرمی متفاوت است و با توجه به اینکه فرایند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه در هر فردی متمایز از دیگران است، برای رویارویی با بزهکاری تدابیر متناسب با وضعیت و فرصت ویژه اتخاذ می‌شود. زیرا این تدابیر به دلیل تفاوت شرایط ممکن است در یک وضعیت یا فرصت اثرگذار و در موقعیتی دیگر ناکارآمد باشد. از این رو پیشگیری موقعیت مدار ناظر بر وضعیت‌های ویژه است.

با توجه به اینکه جرائم به دوگونه عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شوند، این پیشگیری تنها توانایی مقابله با جرائم عمدی را دارد زیرا در جرائم غیرعمدی رابطه خاصی بین بزه دیده و بزهکار وجود ندارد. برای نمونه، پیشگیری مزبور برای جلوگیری از تصادف دو خودرو قابلیت چندان ندارد؛ اگرچه راهکارهایی مانند نصب سرعت‌گیر در خیابان‌ها یا بستن کمربند ایمنی می‌تواند در کاهش میزان تصادفات کارایی داشته باشد. (همان، ص ۷۱)

۱-۴- مبانی نظری بحران

بحران اصطلاحی است که از پزشکی وارد علوم اجتماعی و اقتصادی شده است. در پزشکی، بحران وضعیتی است که ارگانیزم بدن دچار بی‌تعادلی می‌شود و سلامت انسان در معرض خطر قرار می‌گیرد. برخی عقیده دارند که این «تعریف در زمینه اجتماعی نیز مصداق دارد بدین معنا که زمانی که جامعه از حالت متعادل و نظم عادی خارج و دچار آشفتگی می‌شود، وضعیت بحرانی حاکم می‌گردد. از این رو، بحران را می‌توان شرایطی غیرعادی دانست که در آن مشکلات ناگهانی و پیش‌بینی ناپذیر پدید می‌آیند و در چنین شرایطی ضوابط و هنجارها و قوانین مرسوم دیگر کارساز نیستند. این واژه به چیزی اشاره دارد که روشن نیست، بحران به دو خلاً اشاره دارد که یکی در دانش است و دیگری در خود واقعیت اجتماعی که بحران در آن ظاهر شده است. (اسدی، ۱۳۷۰، صص ۱۰۷-۹۸)

هرمان، بحران را حادثه‌ای می‌داند که موجب سردرگمی و حیرت افراد می‌شود و قدرت واکنش منطقی و مؤثر را از آنان سلب می‌کند و تحقق اهداف آنها را به خطر می‌اندازد. (هرمان، ۱۹۶۳، ص ۱۸)

بحران حادثه‌ای است که به طور طبیعی و یا به وسیله خود بشر، ناگهانی و یا به صورت فزاینده‌ای به وجود می‌آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل می‌نماید که جهت برطرف کردن آن، نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. (پوری رحیم، ۱۳۸۳، ص ۱۴) بنابراین، بحران مرحله‌ای در توالی وقایعی است که همه حوادث آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات بین‌المللی جامعه را بی‌ثبات می‌سازد. (وبستر، ۱۹۹۴، ص ۳۴۴) همچنین گفته می‌شود: «بحران، واقعه

پیش‌بینی نشده‌ای است که به دلیل اضطرار و فوریت آن، باید مورد توجه فوری قرار گیرد زیرا عدم توجه و رسیدگی بلافاصله به آن، به وخیم‌تر شدنش می‌افزاید». (سعادت، ۱۳۶۹، صص ۲۲-۲۱) «هرمن» از دیدگاه کلاسیک بحران را موقعیتی می‌داند که:

- ۱- اهداف واحد تصمیم‌گیری را که دارای اولویت بیشتری هستند تهدید می‌کند.
- ۲- مدت زمان موجود برای واکنش را قبل از این که تصمیم تغییر یابد، محدود می‌نماید.
- ۳- اعضای واحد تصمیم‌گیری را با وقوع خود غافلگیر می‌گرداند. (روزنتال آریل و دیگران، ۱۳۸۱، صص ۱۲۶)

در تعریفی دیگر، «هرگونه تغییر ناگهانی که باعث اختلال در شرایط عادی شود و نیاز به اقدام ضروری داشته باشد، بحران نامیده می‌شود». (مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۷۲، ص ۳) همچنین از دیدگاه نظام‌مند یک بحران عبارت است از: وضعیتی که نظم نظام اصلی یا قسمت‌هایی از آن را که ما نظام فرعی می‌نامیم، مختل کرده و پایداری آن را بهم می‌زند. به زبان دیگر، یک بحران وضعیتی است که تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عوامل متغیر نظام به وجود می‌آورد. (اسدی، پیشین، ص ۱۳)

۱-۵- ویژگی‌ها و اشتراکات بحران

در عمومی‌ترین لایه، میلر و ایسکو (۱۹۶۳) ویژگی‌های بحران‌ها را بر اساس مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی این چنین بیان نمودند:

- ۱- یک وضعیت بحرانی، موقعیتی کوتاه و حاد تا بره‌های طولانی است، اگر چه طول مدت آن همواره مشخص نیست.
 - ۲- بحران موجد رفتاری است که غالباً آسیب‌شناسانه می‌باشد. احساس بی‌کفایتی و یا به دنبال مقصر واهی گشتن.
 - ۳- بحران، اهداف طرف‌های درگیر در آن را با تهدید مواجه می‌سازد.
 - ۴- بحران امری نسبی است؛ برای مثال آنچه برای یک حزب یا یک شخص بحران به حساب می‌آید، ممکن است برای طرف دیگر بحران نباشد.
 - ۵- بحران موجد تنش (تنش فیزیکی و اضطراب) در ارگانسیم است. (تاجیک، ۱۳۷۹، ص ۷۲)
- این در حالی است که مک کارتی، شاخص‌های یک موقعیت بحرانی را عبارت می‌داند از:
- ۱- به خطر افتادن اهداف اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری.
 - ۲- زمان موجود برای پاسخ‌دهی پیش از انتقال تصمیم را محدود کرده و اعضای واحد تصمیم‌گیری را به تعجب و حیرت وا می‌دارد.
 - ۳- نیازمند منابع فوق‌العاده است.

۴- پیش‌زمینه همگرایی رویدادهایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را می‌آفریند. این امر، محیطی سرشار از بی‌اعتمادی را می‌سازد و این احساس را قوت می‌بخشد که دیگر واپاشی بر رویدادها و شرایط وجود ندارد.

۵- نیازمند تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود، با اتکای بر اطلاعات ناقص هستند.

۶- ماهیت و آثاری طولانی و استهلاکی دارند. (همان، ص ۷۳)

همچنین از منظر امنیتی نیز، برخی اندیشمندان مشخصه‌های زیر را برای یک بحران برشمرده‌اند:

۱- گسترش دامنه مناقشه و اختلاف میان مسئولان و نخبگان تصمیم‌ساز؛

۲- بروز نارضایتی میان نیروهای نظامی و نهادهای دیگر؛

۳- افزایش اعتبار برخی از گروه‌های اپوزسیون در میان مردم (در مقابل کاهش اعتبار گروه‌های اپوزسیون)؛

۴- فعال شدن و تشدید اقدامات گروه‌های برانداز؛

۵- گسترش اقدامات تروریستی؛

۶- فعال شدن سایر شکاف‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قومی و...؛

۷- افزایش تظاهرات ضد دولتی؛

۸- سرایت بحران از عرصه ملی به گستره فرا ملی. (همان، ص ۷۸)

۱-۶- سطوح بحران

سطح بحران، عبارت است از شرایطی که براساس عوامل زیر شکل می‌گیرد و واکنش خاص خود را می‌طلبد:

۱- امکانات موجود در یک سازمان یا مجموعه سازمانی؛

۲- میزان و نوع درخواست مشتریان سازمان یا مجموعه سازمانی؛

۳- شرایط محیطی اطراف در یک زمان (به ویژه زمان بحران).

به عبارتی دیگر، واکنش هر سازمان یا مجموعه سازمانی باید متناسب و ویژه همان سطح باشد و در یک زمان نباید در دو سطح مختلف قرار بگیرد. از دیدگاه تصمیم‌گیری در تعریف و تشخیص بحران با سه عامل اصلی مواجه می‌باشیم: تهدید، زمان و غافلگیری. از آنجا که وضعیت‌های بحرانی به تناسب شدت تهدید، تداوم زمانی و درجه آگاهی با هم متفاوتند، بنابراین سطوح بحران نیز به تبع آنها متفاوت می‌گردد. هر یک از سه عامل اصلی تعیین‌کننده سطوح بحران ممکن است، در حد عالی، شدت و اهمیت آنها را در یکی از ابعاد سه‌گانه مکعبی که اصطلاحاً «مکعب بحران» نامیده خواهد شد، تجسم نماییم. این نمودار سه بعدی که اضلاع آن روی زوایای قائمه یک مکعب قرار می‌گیرد؛ درجه تهدید، زمان تصمیم‌گیری و درجه آگاهی را نشان می‌دهد. (اسدی، پیشین، ص ۱۵)

۷-۱- مدیریت بحران

اصول و مبانی مدیریت بحران

مدیریت بحران و تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان در چهار مرحله زیر انجام می‌گیرد:

- فرماندهی و واپایش؛
- سازماندهی هرج و مرج؛
- ارائه برنامه‌های آموزشی؛
- حل مشکلات حکومتی.

فرماندهی، هنر و توانمندی اتخاذ تصمیمات صحنه جنگ و استفاده موثر از منابع موجود برای طرح‌ریزی، سازماندهی، هماهنگ‌سازی، واپایش و هدایت نیرو برای اجرای مأموریت‌های محوله می‌باشد. واپایش، عبارت است از سلسله فعالیت‌های ستادی (اعم از فیزیکی و روانی) که برای اطمینان از تحقق تصمیمات فرماندهان صورت می‌گیرد. بنا به تعریف دیگر، واپایش عبارت است از یک مجموعه از پردازش‌های از پیش تعریف شده که در قالب یک ساختار مشخص جهت انجام اهداف انجام می‌گیرد. طبق تعریف ناتو، واپایش عبارت است از مراحل و پردازش‌هایی که یک فرمانده با استفاده از آنها و برای رسیدن به اهداف خود نیروهایش را سازماندهی، هدایت و هماهنگ می‌نماید. به‌طور کلی واپایش به معنای وسیله‌ای است که فرمانده قدرت خود را به کارگیری کرده و از طریق آن فرایند تصمیم‌گیری خود را تکمیل می‌نماید. واپایش از طریق یک سازوکار نظامی و براساس دکترین معمول و یک رویه عملیاتی و براساس تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری صورت می‌گیرد.

دومین بخش اعمال مدیریت بحران، سازماندهی هرج و مرج می‌باشد. انجام مدیریت و واپایش بحران در شرایط عدم اطمینان، یک فرایند معقول از قبل برنامه‌ریزی شده نیست که در سطح منطقه مورد نظر پیاده شود. این فرایند نیازمند اعمال قدرت، توانایی‌های فردی، زمان‌سنجی لازم و ایجاد یک نظام مدیریت پیوسته در محیطی متغییر می‌باشد. سازماندهی هرج و مرج برعکس فرض به کارگیری سازمان‌های مقیم و ثابت با ساختار مدیریتی مناسب و خوب، بر فرایند تصمیم‌گیری سازمانی در شرایطی پیچیده و فناوری نامعلوم و متغییر تأکید می‌نماید. در این شرایط، ایجاد هماهنگی بر اهداف و روش‌های مورد نظر مشکل بوده و استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته، نظیر سامانه‌های مورد استفاده در بخش‌های فرماندهی و واپایش می‌تواند ارتباط ضعیف عوامل واپایش‌کننده هرج و مرج را تقویت نماید. بنابراین ایجاد ارتباط مطمئن بین بخش‌ها و عوامل مختلف بحران و ایجاد هماهنگی لازم بین آنها می‌تواند نقش مهمی در واپایش هرج و مرج داشته باشد.

سومین عامل اساسی جهت مدیریت در شرایط عدم اطمینان، تأکید بر الگوهای آموزشی تحول سازمانی می‌باشد. این تئوری براساس مبانی اثبات شده زیست‌شناسی تهیه شده و براساس آن ارزیابی نتایج فعالیت سازمانی در محیط و در طول زمان ضروری بوده و می‌تواند راهکار و راهنمای لازم جهت ادامه

فعالیت‌های سازمان باشد. براساس این تئوری، دریافت عکس‌العمل آموزش‌های سازمانی نیازمند زمان می‌باشد به گونه‌ای ممکن است سازمان‌های مختلف آموزش‌ها و تجربیات حاصل از یک محیط کوچک را اجرا نمایند؛ با این همه، این آموزش‌ها در محیط‌های دیگر، جواب‌های متفاوتی داده است. در حالی که آموزش تحول سازمانی بر نتایج حاصل از تجربیات در یک دوره طولانی تأکید دارد، به نظر می‌رسد که سازمان‌ها از دو نوع آموزش برخوردارند. بخش اول یکسان‌سازی اطلاعات حاصل از تجربیات در محیط خارجی و ذخیره‌سازی آنها در پایگاه داده جهت به کارگیری آنها در محیط مشابه و دوم؛ ایجاد دانش لازم جهت مواجه شدن با شرایط جدید. برای این منظور با استفاده از سامانه‌ی GIS و تلفیق آن با سامانه‌های هوشمند، می‌توان مدل‌ها و طرح‌های مختلفی را به منظور مدیریت و واپایش بحران طراحی و برنامه‌ریزی کرد و قبل از اجرای این طرح‌ها، آنها را روی زمین شبیه‌سازی و مشکلات اجرایی آنها را برآورد و بررسی کرد.

چهارمین مرحله مدیریت بحران و تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان، حل مسائل سازمانی است که براساس برنامه‌ریزی مجدد و استفاده از الگوهای نظام‌مند و اطلاعات موجود و فعالیت‌های گذشته انجام گیرد. در این بخش بر اطلاعات به عنوان نیروی محرکه سازمان‌ها تأکید شده و هدف آن تبدیل نظام موجود به یک قالب سازمان یافته، جهت انجام فعالیت‌های جمعی و براساس مؤلفه‌های سازمانی می‌باشد. یکی از مشکلات موجود در بازسازی ساختارهای سازمانی، محدودیت ظرفیت انسانی در پردازش اطلاعات می‌باشد. براین اساس، امروزه فناوری اطلاعات، ظرفیت حل مشکلات را از طریق استفاده از رایانه و ارتباطات از راه دور افزایش داده و در نتیجه روش حل مسائل فنی و سازمانی تغییر یافته است. امروزه مشاهده می‌شود که با وجود توسعه فناوری و قابلیت‌های فنی آن در حل مسائل بزرگ و پیچیده، طرح‌های سازمانی جهت ایجاد و استفاده از این فناوری هنوز به اندازه کافی رشد و توسعه نیافته است و این موضوع، یکی از مشکلات اصلی توسعه کاربرد فناوری اطلاعات در سطح ادارات و سازمان‌ها به شمار می‌آید. (پوری رحیم، پیشین، ص ۳۲)

۱-۸- مدیریت بحران در بلایای طبیعی

همان گونه که پیشتر بیان گردید، مدیریت بحران عبارت است از: «فرایند برنامه‌ریزی و اقدام دستگاه‌های اجرایی، دولتی و عمومی که با مشاهده و تجزیه و تحلیل بحران‌ها، به صورت یکپارچه، جامع، هماهنگ و با استفاده از ابزارهای موجود انجام می‌پذیرد. در این فرایند ابتدا تلاش می‌شود تا از بحران‌ها پیشگیری شود؛ ولی در صورت بروز آنها برنامه‌ریزی می‌شود تا با کسب آمادگی لازم و امدادرسانی سریع و به موقع، اوضاع واپایش شود تا وضعیت عادی حاصل گردد.

گراهام آلیسون بحران را به وضعیتی اطلاق می‌نماید که با تهدید شدید، عدم قطعیت و احساس فوریت همراه است. با توجه به پیامدهای امنیتی آنان وظایف مدیریت بحران در قالب تلاش‌های زیر مطرح می‌شود: (مجله سیاست دفاعی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶)

- جلوگیری از وقوع بحران؛
 - کسب آمادگی برای حفاظت بهتر در مقابل تأثیر عامل بحران؛
 - پاسخ مؤثر دادن به بحران واقعی؛
 - تهیه طرح‌ها و منابع برای ترمیم و بازسازی پس از بحران.
- باید توجه داشت که وظایف مدیریت بحران، ارتباط تنگاتنگی با مراحل شکل‌گیری و توسعه بحران داشته و تأکید بیشتر نظام مدیریت بحران، پیشگیری از وقوع بحران و در صورت وقوع، جلوگیری از اوج‌گیری آن می‌باشد.

۲- بلاایای طبیعی و نیروهای نظامی و انتظامی

بشر همواره در معرض خطر و بلاایا و حوادث غیرمترقبه بوده و خواهد بود. از این رهگذر، افراد زیادی جان و یا سلامتی خود را از دست می‌دهند و خسارات مادی زیادی به بار می‌آید. در این گونه سوانح گروهی، به علت مشکلات وسیع و پیچیده‌ای که اتفاق می‌افتد در اکثر موارد نیاز به مشارکتی عظیم ضروری می‌باشد. در دنیای امروز، یکی از سازمان‌هایی که عموماً طی این حوادث مشارکتی فعال دارد، سازمان‌های نظامی و نیروهای تابع آن هستند. این نیروها به علت ویژگی و آمادگی‌های خاصی که دارند از قابلیت خوبی برخوردار بوده و می‌توانند در نقش‌های مختلفی ظاهر شوند و ارائه خدمات نمایند. این عناصر به خاطر ویژگی و توانایی‌های خاصی که در ابعاد مختلف دارند، می‌توانند از جهات گوناگونی وارد عمل شده و ضمن ارائه خدمات انتظامی، ارتباطی و پشتیبانی به انجام امور امداد و نجات، درمان پزشکی و انتقال مصدومان و مجروحان و... بپردازند. (کاظمی، ۱۳۶۸، ص ۴۱)

۲-۱- حوزه‌های عملکردی نیروی انتظامی در بحران:

۱. حوزه عملکردی انتظامی
منظور از حوزه عملکردی انتظامی، به مجموعه فعالیت‌های پیشگیرانه از وقوع جرم و حفاظت و مراقبت از اموال دولتی، مردمی، هدایا و برقراری نظم و امنیت برای امداد رسانی به مجروحین، مصدومین و کمک رسانی عادلانه به آسیب دیدگان و ... توسط پلیس در حین بحران اطلاق می‌گردد.
۲. حوزه عملکردی آگاهی
منظور از حوزه عملکردی آگاهی، مجموعه اقدامات و فعالیت‌هایی که از سوی ناجا در بحران در راستای شناسایی و دستگیری مجرمین، زندانیان فراری، باندهای سرقت اموال دولتی، مردمی، هدایا و شناسایی اموال بلاصاحب، احراز مالکیت افراد نسبت به اموال، صدور مجوز حمل اثاثیه، تعیین هویت اجساد مجهول الهویه و... انجام می‌پذیرد.
۳. حوزه عملکردی راهنمایی و رانندگی

منظور از حوزه عملکردی راهنمایی و رانندگی، مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات ناجا در حین بحران در راستای ایجاد و سهولت تردد وسائط نقلیه امدادی حامل کمک‌های مردمی و دولتی و روان‌سازی عبور و مرور وسائط نقلیه در محورهای منتهی به محل حادثه، ایجاد محدودیت‌های ترافیکی برای جلوگیری از ورود وسائط نقلیه غیرضروری به منطقه آسیب دیده و... اطلاق می‌گردد. (حسینی، پیشین، ص ۳۵)

چالش‌های فراروی مدیریت انتظامی بحران در ایران

با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های مهم توسعه کشورها، داشتن برنامه جامع مدیریت بحران و نیز میزان آمادگی جامعه آنها در برابر انواع مختلف بحران‌ها است، در تعداد کمی از کشورهای دنیا، بعضاً دارای برنامه‌های توسعه و بحران می‌باشند این برنامه‌ها دارای بخش‌هایی حاوی راه کارهای لازم برای آماده‌سازی جوامع می‌باشند.

در کشورهای دنیا، در برنامه توسعه توجه کمتری به شرایط اضطراری و بحران‌ها می‌شود. اغلب مرسوم است که برنامه‌ریزان توسعه و بحران جدا از هم کار کنند و همین امر باعث می‌شود که ناهماهنگی‌هایی در امر برنامه‌ریزی توسعه و بحران ایجاد شود.

در اکثر کشورها رسم بر این بوده و هست که سازمان‌های خاصی مانند سازمان دفاع غیرنظامی و یا حتی ارتش، مسئول مدیریت بحران در حوادث و سوانح هستند. نتایج مطالعات تحقیقی از کشورهایی مانند بنگلادش، جزایر سلیمان و هند نشان داده است که آموزش مردم و وادار نمودن آنها به برنامه‌ریزی جامعه خودشان، می‌تواند اثرات معجزه‌آسایی در کاهش عوارض جانی و مالی حوادث داشته باشد. در سال‌های اخیر همه برنامه‌ریزی‌های کلان در جهان و به خصوص سازمان‌های بین‌المللی در جهت استفاده از برنامه‌های مبتنی بر جامعه برای تقویت مدیریت بحران در کشورها بوده است.

کشور ما در سال‌های دفاع مقدس و قبل و بعد از آن دارای تجربه بسیار بالایی در این امر بوده است و همان گونه که در ذیل خواهد آمد، می‌تواند با توجه به آموزه‌های مکتبی قوی (ولایت‌مداری، تفکر بسیجی و نهضت نرم‌افزاری) به عنوان الگوی اصلی این مدل از مدیریت بحران مطرح باشد.

• یکی از چالش‌های اساسی مدیریت بحران در ایران، فقدان دیدگاه جامع نسبت به برنامه‌ریزی مدیریت بحران در سطوح مختلف (ملی - منطقه‌ای و محلی) و بخش‌های متفاوت (اجتماعی - اقتصادی و زیست محیطی) جامعه است.

• عدم توجه به مشارکت و جلب حمایت مردم در تمامی سطوح برنامه‌ریزی، تهیه و تدوین و اجرا برنامه‌های مدیریت بحران. از این رو وقتی افراد یک جامعه در برنامه‌ریزی توسعه و بحران جامعه خود دخیل نباشند، استخراج نیازها توسط افراد خارج از جامعه رخ داده و واقعی نخواهد بود.

- افزایش آسیب‌پذیری جامعه و مناطق و گند شدن روند توسعه کشور و ایجاد بحران‌های اجتماعی.
- موازی کاری در سازمان‌های دولتی، غیردولتی و خصوصی در شرایط اضطراری و در تهیه و اجرای برنامه‌های محلی، استانی و ملی
- عدم وجود قوانین و دستورالعمل‌ها مناسب و شفاف برای مدیریت انتظامی بحران در کشور و ناجا
- عدم برنامه‌ریزی و پیشگیری از ایجاد شرایط اضطراری و عدم توان ارزیابی خطرپذیری‌ها و ظرفیت‌های جوامع
- چالش دیگر در سطح ملی و ناجا، عدم توجه به ابعاد وسیع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی حوادث و بحران‌ها و همچنین چارچوب یکسان مدیریت علمی بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی.
- یکی دیگر از چالش‌های اساسی در سطح ملی و ناجا در مدیریت بحران، توجه ناکافی به "مدیریت سلامت در شرایط اضطراری" و عدم حمایت روانی و اجتماعی از آسیب دیدگان، امدادگران و مدیران انواع بحران‌ها و حوادث است. عدم حمایت روانی و اجتماعی در زمان قبل و پس از حادثه، اثرات بسیار بدی بر هر سه قشر فوق‌الذکر می‌گذارد.
- عدم توجه جدی به اصول بهداشتی در شرایط اضطراری، و به خطر افتادن بخش سلامت در سطوح ملی و محلی و عدم رعایت مدیریت صحیح بیماری‌های واگیر، و غیرواگیر، سلامت در حوادث و بحران‌ها، خطر مرگ و میر افزایش داروها، تغذیه، بهداشت محیط و روان و مادران باردار و نوزادان.
- یکی دیگر از چالش‌های کنونی در مدیریت بحران، شیوع روزافزون مرگ و میر و عوارض اقتصادی ناشی از حوادث حمل و نقل (جاده‌ای، هوایی، ریلی و دریایی) در شرایط بحرانی است. ایجاد سیستمی برای مدیریت این‌گونه حوادث با نام سیستم تروما، سال‌هاست که در کشورهای توسعه یافته انجام شده است و باعث کاهش زیادی در مرگ و میر و عوارض اقتصادی در آن کشورها شده است. عدم توجه جدی به امر پیشگیری از حوادث و روش‌های آن، اورژانس پیش بیمارستانی، مراکز تروما، انتقال بین بیمارستانی، بازتوانی مصدومین و مدیریت سیستماتیک از مسائلی است که در همه کشور تبدیل به یک چالش ملی شده است..
- عدم مدیریت و رهبری تیم‌های امداد و نجات بین‌المللی یکی دیگر از چالش‌های مهم هستند.
- چالش دیگری که در چند سال اخیر به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های ملی و جهانی مطرح شده است، جهانی شدن ابعاد مختلف زندگی بشری است. یکی از مشکلات اساسی کشورهای اسلامی در قرن ۲۱، توسعه جهانی و جهانی شدن در تمام ابعاد زندگی بشری می‌باشد. فرهنگ اسلامی و ملی به عنوان یک مقوله مهم مورد تهاجم قرار گرفته است و مدیریت عرصه

فرهنگی نیاز به نوآوری‌های روز افزون دارد. محیط زیست به عنوان یکی از نمادهای جهانی شدن مورد سوء استفاده خیلی از سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است. (حسینی، پیشین، ص ۴۹)

۲-۲- توانمندی‌های منحصر به فرد نیروی انتظامی در بحران:

بشر همواره در معرض خطر و بلایا و حوادث غیرمترقبه بوده و خواهد بود در این رهگذر نیز افراد زیادی جان و یا سلامتی خود را از دست داده اند و خسارات مادی زیادی به بار آمده است. در این گونه سوانح گروهی، به علت مشکلات وسیع و پیچیده‌ای که اتفاق می‌افتد در اکثر موارد نیاز به مشارکتی عظیم ضروری می‌باشد. در دنیای امروز یکی از سازمان‌هایی که عموماً طی این حوادث مشارکتی فعال دارد، سازمان‌های نظامی و نیروهای تابع آن هستند. این نیروها به علت ویژگی و آمادگی‌های خاصی که دارند از قدرت مانور خوبی برخوردار بوده و می‌توانند در نقش‌های مختلفی ظاهر شده و ارائه خدمات نمایند. این عناصر بخاطر ویژگی و توانایی‌های خاصی که در ابعاد مختلف دارند، می‌توانند از جهات گوناگونی وارد عمل شده و ضمن ارائه خدمات انتظامی، ارتباطی و پشتیبانی به انجام امورامداد و نجات، درمان پزشکی و انتقال مصدومین و مجروحین و ... بپردازند. در مجموع توانمندی‌های نیروی انتظامی در زمان بحران در موارد زیر خلاصه می‌گردد:

- داشتن سرعت عمل بالا یعنی قابلیت واکنش و اقدام سریع در هر نقطه جغرافیایی
- (نسبت به سایر نهادهای کمک رسانی)؛
- امکان بسیج سریع نیروهای تحت امر جهت حضور در مناطق بحرانی؛
- داشتن نظم و انضباط خاص نظامی در به عهده گیری وظایف و انجام آنها؛
- امکان استقرار ساده و آسان در محل‌های ضروری و سخت؛
- توانایی تحمل شرایط سخت و خشن در زمان‌های نسبتاً طولانی؛
- داشتن تجهیزات و امکانات متحرک و سبک جهت شرکت در صحنه‌های مختلف مانند برپایی پست‌های امداد، بیمارستان صحرایی و ... ؛
- داشتن سازمان‌های مناسب جهت بکارگیری در مواقع بحران؛
- داشتن گروه‌های تخصصی مانند ترابری، مهندسی، مخابرات، پزشکی، امکانات پروازی، نیروهای ویژه هوابرد و ... ؛
- داشتن تسهیلات ویژه‌ای که امکان دارد در اختیار سایر سازمان‌های عمل کننده در سطح کشور نباشد (بخصوص جهت موارد خاص)؛
- دیدن دوره‌های ویژه خاص جهت بکارگیری در مواقع ضروری (مانند جنگ و سوانح بزرگ)؛
- وجود آمادگی ذهنی و جسمی در این نیروها جهت مقابله با حوادثی که از قبل پیش‌بینی نشده‌اند. (از طریق آموزش، و انجام مانورهای مختلف و...)

• پراکندگی موقعیت جغرافیایی واحدهایی نظامی و خصوصاً همجواری با مناطق شهری و روستایی. (غنچال، ۱۳۸۱، ص ۵۸۳) با عنایت به موارد مذکور در این قسمت به بخشی از اهم فعالیت‌هایی که توسط نیروهای نظامی در سوانح طبیعی صورت می‌پذیرد به شرح زیر پرداخته می‌شود:

۱- امکانات پروازی

قسمت پروازی با داشتن پرنده‌های بال ثابت و گردان می‌تواند به شکل‌های مختلف در منطقه حادثه دیده موثر بوده و ایفای نقش نماید. از جمله این موارد می‌تواند به نکات ذیل اشاره نمود:

- رساندن نیروهای امدادی به منطقه بحران و مناطق صعب العبور در کمترین زمان ممکن. از آنجائی که زمان نقش تعیین‌کننده‌ای در امر امداد و نجات دارد، حضور سریع و به موقع عوامل امدادی می‌تواند از ایجاد بسیاری از صدمات و مرگ و میرها جلوگیری نماید.
- ارزیابی سریع میزان خسارات وارده به منطقه بحرانی از راه هوا. انجام ارزیابی سریع و صحیح خسارات می‌تواند به مسئولین امر کمک نماید تا هم بتوانند نسبت به اولویت‌بندی امور امداد و نجات اقدام نمایند و هم اینکه از امکانات موجود بهترین بهره‌برداری را نمایند.
- شناسایی سریع مناطقی که شدیداً آسیب دیده و نیاز به اقدامات امدادی فوری دارند.
- رساندن سریع تدارکات و اقلام پشتیبانی مختلف به مناطق نیازمند (حتی دور دست و صعب العبور).
- این مطلب مخصوصاً هنگامی که سرما شدید باشد و یا شرایط زیست محیطی مناسب نباشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- انجام اقدامات امدادی به سانحه دیدگان در مناطقی که دسترسی نیروهای امدادی به آنها مشکل است مانند ارتفاعات، قعر دره ها، سطح رودخانه ها و یا مکان‌هایی که در آن آب زیادی تجمع پیدا کرده و ...
- انجام اقدامات تجسس برای یافتن بازماندگان و افراد گیر افتاده در مناطق سخت و غیرقابل دسترسی.
- انتقال سریع مجروحان و مصدومان بدحال از مناطق سانحه دیده به مناطق همجوار و یا دورتر جهت انجام اقدامات درمانی مورد نیاز. (عادلی، ۱۳۸۴، ص ۶۵)

۲- ترابری

ترابری همان گونه که از نامش بر می‌آید، وظیفه نقل و انتقال نیروهای نظامی به منطقه و انتقال افراد مصدوم از منطقه به سایر نقاط همجوار و رساندن تجهیزات، آب و آذوقه و چادر و البسه گرم و ... را به عهده دارد. واحد ترابری با در اختیار داشتن وسائط نقلیه زمینی و هوایی گوناگون، نقش مهمی در امر امداد رسانی ایفا می‌نماید. از جمله این وسائط نقلیه می‌توان به وانت، کامیون، تریلی‌ها، اتوبوس، تانکرهای حمل آب و ... اشاره نمود.

۳- مخابرات

در حوادث و بلایای گسترده ای که طی آن امکان دارد وسایل ارتباطی و مخابراتی منطقه آسیب شدید دیده و یا به کل از بین رفته باشند. این قسمت به عنوان راه ارتباطی منطقه با جهان بیرون از آن دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. از طریق این قسمت ضمن ایجاد ارتباط با سایر قسمت‌ها، هم می‌توان نیازمندی‌های منطقه را و هم سطح آسیب وارده را اعلام نمود و هم با استفاده از سیستم‌های تله مدیسین و تله سرجوی و ... به اقدامات مشورتی و درمانی از راه دور پرداخت و هم اینکه برای هماهنگی با سایر مراکز امدادی پیرامون منطقه و یا مناطق دورتر جهت اعزام مصدومین و مجروحین اقدام کرد. این قسمت به منزله سیستم اعصاب برای بدن بوده و کار دریافت و ارسال پیام‌ها را در منطقه سانحه دیده به عهده دارد. و همانگونه که اختلال در سیستم اعصاب باعث ایجاد اختلال در بدن می‌نماید، اختلال در این سیستم نیز می‌تواند منجر به عدم هماهنگی‌ها، هرج و مرج در امور، عدم ایجاد مدیریت کارآمد و ... گردد. با توجه به اینکه نیروهای نظامی و انتظامی مجهز هستند، برقراری ارتباط با توجه به امکان قطع شبکه ارتباطات به منظور اعلام نیازهای محل حادثه به شهرهای پیرامون و مرکز کشور حائز اهمیت است.

۴- نیروهای ویژه

از این نیروها بواسطه داشتن شرایط مناسب بدنی و گذراندن دوره‌های ویژه کار در شرایط سخت و داشتن تجهیزات لازم و آمادگی‌های خاص دیگر می‌توان جهت موارد ذیل در مناطق سانحه دیده استفاده نمود:

- انجام اقدامات امدادی سریع در مناطقی که اعزام نیروی امدادی عادی به آنجا مشکل است. (مناطق پر مخاطره)

- عملیات جستجو و امداد برای نجات. عملیات جستجو در زلزله بسیار گسترده است. نیروهای آموزش دیده‌ی نظامی در این بخش به سرعت وارد عمل شده و با تجهیزات زنده یاب، سگ‌های آموزش دیده و ماشین آلات به آوار برداری و خروج افراد مصدوم و مجروح می‌پردازند.

۵- درمان و مراقبت‌های پزشکی

گروه‌های درمانی شامل پزشکان، پرستاران و امدادگرانی که تجهیزات اولیه را در اختیار دارند کار درمان‌های اورژانسی را انجام و تا ایجاد یک مرکز درمانی صحرائی، مجروحین را به نزدیک‌ترین مراکز درمانی انتقال می‌دهند. مجروحانی که نیازمند عمل جراحی می‌باشند ممکن است با بالگرد به مراکز درمانی مجهزتر انتقال یابند.

۶- مهندسی

مهندسی نظامی (رزمی) با توجه به امکانات راه سازی و ماشین آلات و تجهیزات خاصی که در اختیار دارد و در این گونه حوادث علاوه بر ترسیم مسیرهای آسیب دیده مانند جاده‌ها، پل‌ها، معابر عمومی و ... از تسهیلاتی که در اختیار دارد می‌تواند در امر امدادرسانی و نجات مصدومین و رساندن آنها به مراکز مربوط و همچنین پشتیبانی تدارکاتی منطقه نقش مهمی را ایفا نماید. این گروه همچنین می‌تواند در برپایی و آماده سازی مراکز درمانی، نقاهتگاهی، مراکز استقرار مردم آسیب دیده، راه اندازی تاسیسات حیاتی و زیربنایی منطقه صدمه دیده مانند ترمیم و آماده سازی منابع آب، ترسیم خطوط برق و تلفن و ... ایفای نقش نماید.

۷- پشتیبانی نظامی

با توجه به امکاناتی که به صورت سبک و متحرک در اختیار دارد و در جنگ‌ها و بحران‌ها از آن‌ها استفاده می‌کند، می‌تواند ضمن حضور در مناطق بحرانی و سانحه دیده به ارائه خدمات بپردازد. از جمله این امکانات می‌توان به تانکرهای سیار آب، امکانات ضدغفونی کردن آب، حمام‌های سیار، آشپزخانه‌های سیار، دستشویی‌های سیار، چادرهای اسکان، برپایی کمپ‌های استقرار سانحه دیدگان، پست‌های برق سیار و ... اشاره نمود. (غنچال، پیشین، صص ۵۸۵-۵۸۴)

۸- تدفین جان باختگان

کار تدفین جان باختگان باید به سرعت و قدرت صورت گیرد. سرعت عمل در این مرحله باعث جلوگیری از شیوع بیماری‌های خاص در منطقه می‌شود و دقت در آداب شرعی برنامه‌های تدفین شناسایی فرد متوفی و ثبت مشخصات محل خاک سپاری برای بازماندگان باعث آرامش می‌شود.

۹- تغذیه افراد سانحه دیده

در دوره اضطراری توزیع غذای سرد در دستور کار قرار می‌گیرد و به تدریج که نیروهای نظامی به تجهیز آشپزخانه‌های صحرایی می‌پردازند کار تهیه و توزیع غذای گرم در ظروف یکبار مصرف انجام می‌پذیرد.

۱۰- ایجاد سرپناه اضطراری

پس از انتخاب محل مناسب برای احداث کمپ‌های موقت عملیات احداث آغاز می‌شود. نوع سرپناه باید به گونه‌ای باشد که خطرات پس لرزه‌ها آن را تهدید نکند و به علاوه سبک بوده و قابلیت حمل سریع و ارزان را داشته و کم حجم باشد که ایجاد کمپ‌های از نوع چادرهای نظامی مناسب‌ترین وسیله از

این لحاظ است. اگر چه کمپ‌های ایجاد شده عملیات توزیع امکانات را منظم، سریع و عادلانه می‌نماید ولی در صورتی که کمپ‌ها امکانات ویژه‌ای را ارائه دهند، بازگرداندن مردم به محل‌های سابق و آغاز جریان طبیعی زندگی امری دشوار می‌گردد، به همین منظور یک روش اسکان موقت، احداث چادر یا ساختمان‌های موقت در مجاور املاک ساکنین منطقه آسیب دیده است.

۱۱- برقراری امنیت منطقه

نیروی انتظامی و نظامی با استقرار پست‌های بازرسی و حفاظت از مناطق آسیب دیده باید افراد سودجو و فرصت طلبی که به اموال رها شده مردم تعرض می‌نمایند را کنترل و در صورت مشاهده این افراد در حین ارتکاب جرم، آنان را بازداشت و به مسئولین قضایی تحویل دهند. (کلانتریان، ۱۳۸۳، ص ۷۱)

۳- محدودیت‌های مواجهه با چالش‌های مدیریت انتظامی بحران

وجود برخی محدودیت‌های اداری و سلسله مراتبی و نیز نوع ارتباط رسمی و اداری و نیز مسئولیت و جایگاه مقامات نیروهای نظامی با مقامات غیرنظامی دولتی باعث به وجود آمدن تاخیراتی در امر کمک رسانی نیروهای نظامی می‌شود. اگر چه توانایی واکنش سریع در نیروهای نظامی بیشتر از نیروهای غیر نظامی است اما محدودیت‌ها گاهی منجر به تاخیر در ایفای نقش مورد انتظار می‌گردد. البته با توجه به اینکه کمک رسانی توسط نیروهای مسلح هزینه‌هایی به دنبال دارد که مسایل بودجه و حسابداری و اختیارات مالی و ... را به وجود می‌آورد که آن نیز باعث تشدید در امر محدودیت‌های مذکور می‌گردد. از طریقی تطابق و پیوند بین فعالیت‌های نیروهای نظامی و غیرنظامی باعث بروز اختلالات و مشکلاتی می‌شود که موجب کاستی در ارائه خدمات یا کاهش کارایی مورد انتظار می‌گردد.

البته تمام موارد مورد اشاره در قالب نگرش سازمان‌های رسمی بود در حالی که برخی محدودیت‌ها ممکن است در قالب سازمان‌های غیررسمی یا لایه‌های غیررسمی قابل بررسی باشد؛ از جمله ایجاد رقابت‌هایی که در حین کمک رسانی ممکن است بین نیروهای نظامی و غیرنظامی و یا سازمان‌ها پدید آید و نیز اختلالات و مشکلات به وجود آمده در بحران ممکن است باعث ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی گردد و زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا یک نوع نگرانی برای دولت‌مردان غیرنظامی بوجود آید، که ممکن است با توجه به بستر فراهم شده، قدرت مسئولیت کشور را نظامیان در دست بگیرند، لذا همواره در برخورد با نقش نظامیان به صورت محدود عمل می‌کنند به هر حال موارد فوق به عنوان برخی از عوامل محدود کننده به صورت زیر جمع‌بندی می‌شود:

• تفاوت سلسله مراتب اداری مربوط به مدیریت‌های منطقه‌ای و هماهنگی‌های لازم به رده‌های خود در ستادها و عوامل صفی؛

- تفاوت در مسئولیت و تعهدات مقامات دولتی و محلی با نیروهای نظامی؛
 - عدم تجربه عملیات مشترک نیروهای نظامی و غیرنظامی در بحران؛
 - نگرانی دولت‌ها از اشرافیت نظامیان بر امور غیرنظامی؛
 - رقابت‌های اجتماعی ناسالم بین نیروهای کمک رسان نظامی و غیرنظامی؛
 - محدودیت‌ها و قوانین خاص مالی و بودجه سیستم‌های نظامی در امر کمک رسانی و بحران.
- (پوری رحیم، ۱۳۸۳، ص ۲۵)

۳-۱- حل چالش‌های مدیریت انتظامی بحران

اگر حوزه کار پلیس را برقراری نظم و آرامش و امنیت عمومی و اجرای احکام و مقابله با افراد متخلف بدانیم (رک: نظام‌نامه اداره نظمیه مصوب ۱۳۳۳ و قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۹) و به تعبیر ویلسون تصدی سه نوع سیستم برقراری نظم عمومی، اجرای قانون و ارائه خدمت: امنیت عمومی در کجا قرار می‌گیرد؟

با هر تعریفی، امنیت عمومی - همچون امنیت ملی - چند بعدی است. با نگرش سلبی، امنیت عمومی را مترادف نبود ترس، اجبار و خطر خارجی و یا دفع نیازمندی‌های اجتماعی و یا ترکیبی از عوامل مذکور می‌دانند و با نگرش ایجابی، آن را احساس رضایت و اطمینان خاطر «تعریف کرده‌اند. در امنیت عمومی اولاً هدف ایجاد آرامش و نظم عمومی، تثبیت حاکمیت قانون و مقررات در جامعه، حفظ انسجام جامعه و تضمین منافع عمومی و خصوصی مشروع مردم است و ثانیاً تهدید عمدتاً از طرف دشمن نیست، بلکه از طرف افراد ناگاه و یا منحرف و متخلف و آن هم داخلی است. البته اگر با برنامه‌ریزی درست و مدیریت راهبردی با تهدیدات امنیت عمومی مقابله نشود، آنها تبدیل به تهدید امنیت ملی می‌شوند. در این صورت، این امر یعنی تبدیل امنیت عمومی به تهدید امنیت ملی - شاخص ناکارآمدی مسئولان در تامین امنیت عمومی است. بر این اساس امنیت عمومی عبارت است از: مصونیت عموم جامعه در برابر عوامل تهدید کننده جان، مال، ناموس و آبروی آنان (احمدوند، ۱۳۸۱، ص ۱) امنیت عمومی معادل امنیت داخلی، امنیت اجتماعی یا امنیت شهروندان به کار می‌رود. با نگاهی سیستمی به مقوله امنیت، می‌توان دریافت که پلیس تنها یک مولفه از مجموعه مولفه‌هایی است که موثر در امنیت می‌باشد و به تعبیری تولید و حراست از امنیت، امروز نه تنها به عملکرد پلیس بلکه به مولفه‌های بسیار دیگر، نظیر نهادهای اجتماعی به گروه‌های سیاسی و ... بستگی دارد. به تعبیری نیروی انتظامی نقش دوگانه‌ای در ساختار امنیت جمهوری اسلامی ایفا می‌نماید. زیرا از یک طرف به عنوان یکی از نیروهای مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا انجام وظیفه نموده و از طرف دیگر وابسته به وزارت کشور می‌باشد. این وزارتخانه حفظ امنیت و استقرار نظم و آرامش در سرتاسر کشور و پیشگیری و مقابله با جریانات و پیشامدهای اساسی مخل امنیت داخلی از طریق نیروی

انتظامی (پلیس) و عندالزوم نیروهای نظامی را به عهده دارد. در واقع اقدامات پلیس (خدمات پلیس) در جهت ایجاد امنیت و احساس امنیت می‌باشد. اما نمی‌توان گفت که تمام وقایعی که منجر به ناامنی می‌شوند، اقدامات پلیس تنها پارامتر موثر بر آن می‌باشد. در پایان این بخش باید گفت: پلیس به عنوان نهاد واسط حافظ امنیت، نمایان‌ترین وظیفه‌اش ساماندهی امور انتظامی جامعه به منظور برقراری امنیت و نظم پایدار، تحکیم اقتدار و ثبات اجتماعی، رشد فضائل انسانی و ارزش‌های والای اسلامی، حفاظت از آزادی و حقوق مشروع فردی و اجتماعی و بالاخره رضایت‌مندی عمومی و از میان بردن هر گونه ترس و هراس در میان مردم، است. نیروی انتظامی، نیروی حافظ امنیت و آسایش مردم است و بخاطر گستردگی زمینه عملیات و تنوع وظائف و حضور در اقصاء نقاط کشور در واقع جزء اولین نیروهای دولتی است که هنگام بروز هرگونه سانحه‌ای در محل حاضر می‌شود و چنانچه در برخورد با سوانح مختلف وظائف خاص را با دقت به نحو احسن انجام دهد در جلوگیری از بسیاری از اتفاقات پس از حادثه نیز موثر و مفید خواهد بود.

- از این رو با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که چشم انداز مطلوب مدیریت انتظامی در بحران‌ها عبارت است از: برقراری امنیت و نظم پایدار توسط نیروی انتظامی در منطقه بحران زده؛
- داشتن حداکثر سرعت، دقت و آمادگی کامل برای کنترل بحران در کمترین زمان؛
- ظرفیت و آمادگی لازم و کافی برای پیشگیری از بروز بحران‌های احتمالی؛
- تدوین و ارائه رسالت‌ها، ارزش‌ها، راهبردهای اساسی در همه حیطه‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها، فرایندها و شاخص‌های عملکردی برای جامعه هم در دوران عافیت و هم در مصیبت؛
- ارزیابی جامع کلیه آسیب‌پذیری‌های جامعه و ایجاد بانک اطلاعات آسیب‌پذیری‌های جامعه با بررسی کامل خطرات بالقوه جامعه، بررسی کامل جامعه، بررسی محیط زیست و جغرافیای طبیعی مناطق مختلف، بررسی اثرات خطرات بر جوامع و اولویت‌بندی همه خطرپذیری‌ها برای طراحی برنامه تداخل‌ها؛
- تدوین برنامه مدیریت توسعه و مدیریت بحران جامعه براساس استعدادها و خطرات بالقوه جامعه طبق اصول علمی؛
- مدیریت آموزش و اطلاع‌رسانی عمومی و تخصصی؛
- ارزیابی و پایش کلیه برنامه‌های تدوین شده براساس شاخص‌های عملکردی تدوین شده و انجام مانورهای متعدد برای ارزیابی و پایش برنامه‌های توسعه و بحران جامعه؛
- توانایی بالای اجرای کامل قانون و کنترل رفت و آمد در اطراف منطقه بحران زده؛ کمک به امنیت و آسایش مردم منطقه حادثه دیده؛
- جلوگیری از ناامنی و دزدی و سایر جرائم و سوء استفاده‌های احتمالی و همدردی با مردم حادثه دیده. (روزنتال، ۱۳۸۱، ص ۵۵)

۴- روش پژوهش، جامعه آماری، حجم نمونه و روش اندازه‌گیری آن

این پژوهش از لحاظ هدف به دلیل پاسخگویی و ارائه راهکارهایی برای یک مسئله یا مشکل اجتماعی، یک پژوهش کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها یک پژوهش پیمایشی می‌باشد که جهت تدوین مبانی نظری پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و جهت گردآوری داده‌های میدانی از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردیده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته بوده که پایایی آن برای مجموعه سؤالات تعدد جرم توسط آلفای کرونباخ $0/75$ و برای مجموعه سؤالات تکرار جرم $0/73$ گزارش شده است. جامعه آماری این پژوهش قضات دادسرا و قضات دادگاه بدوی جزایی شهر کرمانشاه می‌باشند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به دلیل محدودیت دسترسی پژوهشگر به کلیه ضابطین و قضات روش نمونه‌گیری در دسترس و برابر با 30 نفر بوده است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۱: فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

فراوانی		درصد
مرد	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۲: فراوانی پاسخگویان بر حسب سمت پرسش‌شوندگان

فراوانی		درصد
پلیس	۴۰	۴۰
کارشناسان امدادی	۶۰	۶۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۳: فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

فراوانی		درصد
دیپلم	۱۰	۱۰
فوق دیپلم	۲۵	۲۵
لیسانس	۳۳	۳۳
فوق لیسانس و بالاتر	۳۲	۳۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۴: فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه خدمت

فراوانی	درصد	
۱۴	۱۴	کمتر از ۱۰ سال
۴۹	۴۹	۱۰ تا ۲۰ سال
۳۷	۳۷	بیشتر از ۲۰ سال
۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول شماره ۵: آماره‌های پراکندگی مرکزی از متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
افزایش زحمت ارتکاب جرم	۳.۹۰	۰.۱۹
افزایش خطر ارتکاب جرم	۳.۷۵	۰.۲۵
کاهش منافع ارتکاب جرم	۳.۴۰	۰.۰۸
حذف بهانه‌های ارتکاب جرم	۳.۷۵	۰.۳۶
کاهش تحریک ارتکاب جرم	۳.۴۰	۰.۷۲

جدول شماره ۶: آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش

متغیرها	سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف
افزایش زحمت ارتکاب جرم	۰.۳۰
افزایش خطر ارتکاب جرم	۰.۱۲
کاهش منافع ارتکاب جرم	۰.۰۶
حذف بهانه‌های ارتکاب جرم	۰.۶۵
کاهش تحریک ارتکاب جرم	۰.۰۹

این آزمون به مقایسه تابع توزیع تجمعی مشاهده شده با تابع توزیع تجمعی نظری (مورد انتظار) در یک متغیر رتبه‌ای می‌پردازد. به عبارتی در این آزمون، توزیع یک صفت در یک نمونه با توزیعی که برای آن در جامعه مفروض است مقایسه می‌شود. چنانچه سطح معناداری در این آزمون از ۰/۰۵ بزرگتر باشد می‌توان استنباط نمود که توزیع نرمال است. می‌توان در این پژوهش از آزمون‌های پارامتریک استفاده شود. با توجه به آزمون فوق و سطح معناداری همه متغیرها که کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان استنباط نمود که: که متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند پس باید از آماره‌های ناپارامتریک استفاده نمود.

جدول شماره ۷: آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۱
 "تدبیر افزایش خطر در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد."

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
افزایش خطر	۲۰۰	۴.۲۵	۰.۱۶	۰.۰۲

جدول آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
افزایش خطر	۱۵.۳۶	۱۹۹	۰.۰۰۰۱	۱.۲۵

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون T برابر با $۰/۰۰۰۱$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $۰/۰۵$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره T ($۱۵/۳۶$) نیز بزرگتر از مقدار ($۱/۹۶$) می‌باشد، فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: تدبیر افزایش خطر در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد. جدول آماره‌های توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $۴/۲۵$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $۱/۲۵$ نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است و این تفاوت از لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش شده است.

جدول شماره ۸: آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۲
 "تدبیر افزایش تلاش در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد."

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
افزایش زحمت	۲۰۰	۴.۱۶	۰.۱۸	۰.۰۱

جدول آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
افزایش زحمت	۱۴.۰۱	۱۹۹	۰.۰۰۰۱	۱.۱۶

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون T برابر با $۰/۰۰۰۱$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $۰/۰۵$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره T ($۱۴/۰۱$) نیز بزرگتر از مقدار ($۱/۹۶$) می‌باشد، فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: تدبیر افزایش تلاش در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد. جدول آماره‌های توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $۴/۱۶$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $۱/۱۶$ نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است و این تفاوت از لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش شده است.

جدول شماره ۹: آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۳
 "تدبیر کاهش منافع در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد."

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
کاهش منافع	۲۰۰	۳.۷۳	۰.۲۱	۰.۰۱

جدول آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
کاهش منافع	۱۳.۴۱	۱۹۹	۰.۰۰۰۱	۰.۷۳

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون T برابر با $۰/۰۰۰۱$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $۰/۰۵$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره T ($۱۳/۴۱$) نیز بزرگتر از مقدار ($۱/۹۶$) می‌باشد، فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: تدبیر کاهش منافع در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد. جدول آماره‌های توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $۳/۷۳$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $۰/۷۳$ نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است و این تفاوت از لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش شده است.

جدول شماره ۱۰: آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۴
 "تدبیر حذف بهانه‌ها در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد."

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
حذف بهانه‌ها	۲۰۰	۳.۶۶	۰.۳۷	۰.۰۴

جدول آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
حذف بهانه‌ها	۱۳.۰۹	۱۹۹	۰.۰۰۱	۰.۶۶

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون T برابر با $۰/۰۰۱$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $۰/۰۵$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره T ($۱۳/۰۹$) نیز بزرگتر از مقدار ($۱/۹۶$) می‌باشد، فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: تدبیر حذف بهانه‌ها در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد. جدول آماره‌های توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $۳/۶۶$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $۰/۶۶$ نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است و این تفاوت از لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش شده است.

جدول شماره ۱۱: آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه شماره ۵

"تدبیر کاهش تحریک در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد."

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
کاهش تحریک	۲۰۰	۳.۴۱	۰.۳۶	۰.۰۲

جدول آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
کاهش تحریک	۱۲.۰۱	۱۹۹	۰.۰۰۲	۰.۴۱

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون T برابر با $۰/۰۰۲$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $۰/۰۵$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره T ($۱۲/۰۱$) نیز بزرگتر از مقدار ($۱/۹۶$) می‌باشد، فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: تدبیر کاهش تحریک در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد. جدول آماره‌های توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $۳/۴۱$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $۰/۴۱$ نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است و این تفاوت از لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش شده است.

جدول شماره ۱۲: آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی فرضیه اصلی

"پیشگیری وضعی در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد"

متغیر مورد بررسی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف استاندارد
پیشگیری وضعی	۲۰۰	۳.۹۰	۰.۳۶	۰.۰۶

جدول آزمون t تک نمونه‌ای

متغیر مورد بررسی	آزمون t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین
پیشگیری وضعی	۱۳.۸۹	۹۹	۰.۰۰۰۱	۰.۹۰

با توجه به آزمون فوق چون مقدار سطح معنا داری در جدول آزمون T برابر با $۰/۰۰۰۱$ می‌باشد و این مقدار از سطح معناداری $۰/۰۵$ کوچکتر است، و به عبارت دیگر چون مقدار آماره T ($۱۳/۸۹$) نیز بزرگتر از مقدار ($۱/۹۶$) می‌باشد، فرضیه فوق تایید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که: پیشگیری وضعی در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد جدول آماره‌های توصیفی فوق نشان می‌دهد که میانگین اکتسابی نمونه برابر با $۳/۹۰$ می‌باشد که از میانگین جامعه (۳) با اختلاف $۰/۹۰$ نمره بالاتر از حد متوسط گزارش شده است و این تفاوت از لحاظ آماری یک تفاوت معنادار گزارش شده است.

جدول شماره ۱۳: آزمون فریدمن برای بررسی و رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش از لحاظ شدت تاثیر آن بر در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد

متغیر	میانگین
افزایش خطر ارتکاب جرم	۴.۳۰
افزایش زحمت ارتکاب جرم	۳.۱۸
کاهش منافع ارتکاب جرم	۳.۰۱
حذف بهانه‌های ارتکاب جرم	۲.۸۶
کاهش تحریک ارتکاب جرم	۲.۲۹

آزمون فریدمن

تعداد	۲۰۰
درجه آزادی	۴
سطح معناداری	۰/۰۱

با توجه به نتایج آزمون فریدمن متغیرهای این پژوهش از لحاظ شدت تاثیر در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد به ترتیب عبارتند از:

۱. افزایش خطر ارتکاب جرم
۲. افزایش زحمت ارتکاب جرم
۳. کاهش منافع ارتکاب جرم
۴. حذف بهانه‌های ارتکاب جرم
۵. کاهش تحریک ارتکاب جرم

نتیجه و پیشنهادات

الف) نتیجه

با توجه به آزمون تی تک نمونه‌ای که برای بررسی فرضیات این پژوهش استفاده شده است، از مجموع ۶ فرضیه‌ای که در این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (۱ فرضیه اصلی و ۵ فرضیه فرعی) کلیه این فرضیات تأیید شده‌اند. پیشگیری وضعی در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد، تدبیر افزایش خطر در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد، تدبیر افزایش تلاش در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد، تدبیر کاهش منافع در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد، تدبیر حذف بهانه‌ها در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد. نتایج تدبیر کاهش تحریک در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد.

آزمون فریدمن متغیرهای این پژوهش از لحاظ شدت تاثیر در پیشگیری از جرایم در بحران‌های طبیعی در شهر کرمانشاه مؤثر می‌باشد به ترتیب عبارتند از:

۱. افزایش خطر ارتکاب جرم
۲. افزایش زحمت ارتکاب جرم
۳. کاهش منافع ارتکاب جرم
۴. حذف بهانه‌های ارتکاب جرم
۵. کاهش تحریک ارتکاب جرم

ب) پیشنهادها

در پایان در جهت ارائه پیشنهاد می‌توان موارد ذیل را مورد نظر قرار داد:

- ۱- با توجه به پیشنهادهای مطرح شده مبتنی بر نتایج تحقیق، اقدامات اجرایی و نکاتی که می‌تواند جهت واپایش و مقابله با بحران‌های طبیعی (قبل و حین بحران) از سوی برنامه‌ریزان، مسئولان، فرماندهان و مدیران مد نظر قرار گیرد و در بهبود عملکرد آنان موثر واقع شود به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد.
- ۲- تهیه طرح‌ها و دستورالعمل‌های مناسب به منظور مقابله با بحران به نحوی که وظایف هر یک از یگان‌های صفی و ستادی تا پایین‌ترین رده به طور دقیق در آن مشخص شده باشد.
- ۳- بازنگری طرح‌ها و دستورالعمل‌های موجود مانند طرح همت و... و مرتفع نمودن نواقص و معایب آنها با انجام تمرینات مستمر.
- ۴- انجام رزمایش نوبه‌ای با تهیه سناریوهای مرتبط به حوادث طبیعی که در آن نقش سازمان‌های امدادی نیز کاملاً مشخص و تعیین شده باشد.
- ۵- پیش‌بینی آب و برق اضطراری و سوخت کافی در چندین نقطه از شهرستان یا استان برای مواقع بحرانی.
- ۶- پیش‌بینی و تعیین مکان‌هایی امن برای اسکان موقت مردم صدمه دیده و همچنین جا و مکان مناسب برای نگهداری اموال بلا صاحب با هماهنگی ستاد حوادث غیرمترقبه.
- ۷- پیش‌بینی مکان‌های مناسب برای نگهداری مجرمان و متهمان و فراریان و... در مواقع بحرانی.
- ۸- برنامه‌ریزی و پیش‌بینی طرح‌های ترافیکی ویژه برای معابر شهری و محورهای مواصلاتی.
- ۹- صدور اطلاعیه‌ها و پیش‌آگاهی با هماهنگی سازمان هواشناسی قبل از بروز حوادث طبیعی.
- ۱۰- تعیین استان‌ها و شهرستان‌های معین برای مواقع بحرانی با مشخص نمودن بلوک‌بندی و کروکی.
- ۱۱- بالا بردن ضریب استحکامات و تأسیسات ناجا به ویژه واحدهای صفی و پشتیبانی.

- ۱۲- پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای حفظ اسناد و مدارک، تجهیزات، سلاح و مهمات و... در ادارات، ارگان‌ها، کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و انبارها و...
- ۱۳- تجهیز و آموزش سازمان دوم رزم استان‌ها و شهرستان‌ها و همچنین آموزش و آشنایی آنها با دوره‌های امداد و نجات برای مواقع بحرانی.
- ۱۴- تشکیل ستاد انتظامی بحران در مقرهای فرماندهی به همراه راه‌اندازی مقر یدکی و شبه بحران.
- ۱۵- احصاء نیازمندی‌ها و تماس‌های مردمی از طریق سامانه‌ی ۱۱۰ و انعکاس آن به سازمان‌های امدادی و خدمات‌رسانی (در مرحله شکل‌گیری بحران).
- ۱۶- پیگیری تشکیل جلسات کار گروه‌های حوادث غیرمترقبه در استانداری به منظور ایجاد هماهنگی قبل از شکل‌گیری بحران.
- ۱۷- تشدید حفاظت فیزیکی از اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده و همچنین سازمان‌های امدادی و جایگاه‌های سوخت‌رسانی.
- ۱۸- تشدید اقدامات تأمینی و اجرای طرح پیشگیری از سرقت منازل، اماکن تجاری و صنعتی در هنگام مواجهه با بحران.
- ۱۹- تقویت ایستگاه‌های بازرسی به ویژه در ورودی و خروجی شهرها به منظور ارتقای ضریب امنیتی.
- ۲۰- تجهیز یگان‌های انتظامی و اجرایی (کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها، یگان ویژه و یگان امداد) به ویژه یگان مهندسی به امکانات و تجهیزات فنی مناسب و همچنین آموزش و آشنایی کارکنان یگان‌های مذکور با دوره‌های امداد و نجات.
- ۲۱- ایجاد هماهنگی لازم با رسانه‌های عمومی و هواشناسی در خصوص آموزش و اطلاع‌رسانی در راستای علائم ایجاد وقوع بلایای طبیعی به طوری که با هشدار، آمادگی لازم در مردم ایجاد شود.

فهرست منابع

- ۱- اسدی، علی. بحران شناسی و جامعه‌شناسی بحران. مجله علمی پژوهشی دانشنامه، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، پائیز ۱۳۷۰
- ۲- اشنایدر، ریچارد؛ کیچن، تاد، برنامه‌ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم، ترجمه دکتر فرزانه سجودی، تهران، میزان، ۱۳۸۷
- ۳- پوری رحیم، علی اکبر، "مدیریت بحران و وظایف نیروهای مسلح در شرایط بروز بلایا و حوادث طبیعی"، فصلنامه سنگر شماره چهاردهم، بهار، ۱۳۸۳
- ۴- تاجیک، محمدرضا. مدیریت بحران (نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران). تهران: انتشار فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.
- ۵- جعفریان، محمد حسن، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران کیهان، ۱۳۸۶
- ۶- حسینی، حسین، جدی، مجید، نقش سازمان‌های نظامی در مدیریت بحران‌های طبیعی. نشریه سیاست دفاعی (۵۲ و ۵۳)، ۱۳۸۴
- ۷- روزناب و همکاران، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه محمد رضا حبیبی، تهران، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۸۲
- ۸- روزنتال، آریل، پائول، تی هارت و مایکل، تی چارلز، نیایی از بحران‌ها و مدیریت بحران (محمدعلی ستاری فقیهی، مترجم). فصلنامه دانش انتظامی، ۴ (۴). زمستان ۱۳۸۱
- ۹- سعادت، اسفندیار، مدیریت بحران. فصلنامه دانش مدیریت، تهران ۱۱ (۴)، زمستان ۱۳۶۹
- ۱۰- صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴ دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۸۰
- ۱۱- عادل، علیرضا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد "ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در برقراری نظم و امنیت شهرستان بم با رویکرد مدیریت بحران سوانح طبیعی (زلزله)"، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۴
- ۱۲- غفاری، مریم، روزنامه همشهری ۸۳/۷/۲۰
- ۱۳- غنچال، علی، "نقش نیروهای نظامی و بهداری رزمی در امداد انتقال حاصل از بلایا و حوادث غیرمترقبه"، مجموعه مقالات اولین همایش علمی، تحقیقی مدیریت امداد و نجات، موسسه آموزش عالی علمی، کاربردی هلال احمر وابسته به جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱
- ۱۴- کلاتر، محسن، بررسی نقش جغرافیایی در وقوع جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴
- ۱۵- کاظمی، سیدعلی اصغر، مدیریت بحران‌های بین‌المللی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸
- ۱۶- گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰
- ۱۷- گل محمدی منه، علی (۱۳۸۶)، مدیریت پیشگیری از جرائم، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.

- ۱۸- مجله سیاست دفاعی، برگرفته از کتاب مدیریت بحران و تصمیم‌گیری گراهام آلیسون. دوره ۲، شماره ۲، بهار ۱۳۸۳
- ۱۹- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۶)، اصول و مبانی نظریه فرصت جرم، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷ شماره ۳.
- ۲۰- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)، مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۸۲
- ۲۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حمید، هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی، انگلیسی، فرانسه، چاپ اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷
- نیازپور، امیر حسین، بزهکاری به عادت؛ از علت‌شناسی تا پیشگیری، تهران، فکرسازان، ۱۳

